



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

آه علیها السلام فاطمة الزهراء

هو الجبیب الذی یسفاک المولود من الالهة انما

تقویم و روز شمار ماه جمادی الثانی

۳ جمادی الثانی: شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به روایت ۹۵ روز؛ سال ۱۱ ه.ق

۱۳ جمادی الثانی: وفات حضرت ام البنین (علیها السلام)؛ سال ۶۴ ه.ق

۲۰ جمادی الثانی: میلاد فرخنده حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)؛ سال ۵۵ ه.ق /

تولد امام خمینی (رحمت الله علیه)؛ سال ۱۳۲۰ ه.ق

۱۲ بهمن: بازگشت امام خمینی (رحمت الله علیه) به ایران

در این شماره اسوه می خوانیم:

مقام زن از مقام تو شروع شد؛ در دانه هستی

شهید «حاج قاسم سلیمانی» از قاب اسوه

حضرت زهرا (سلام الله علیها) تجسم عالی ترین مفاهیم انسانی و اسلامی زن

گروه های غذایی مفید در قرآن

نقش مؤثر زن در تاریخ

ارزش چادر حضرت زهرا (سلام الله علیها)

سبک زندگی کوثری (قسمت شانزدهم: سوره زلزله)

ام البنین، پاسدار خاطر عاشورا

توبیت در محیط خانواده (قسمت بیست و نهم)

فاطمیه همیشه ما را بیشتر هوایی شما می کند

مقام زن از مقام تو شروع شد؛ در دانه هستی

فخری مرجانی

تو را سرور بانوان دو عالم نام نهاد؛ پیامبری که خلقت آفرینش از وجود نازنینش شروع شد و به همین دلیل است که غیر از خالق بی‌همتای هستی و پیامبر و ولی‌اش هیچ‌کس تو را نشناخت و نخواهد شناخت.

همه عالم از نور وجودت، نور یافت. بریده باد دستی که تازیانه به دردانه هستی زد و لعنت خدا بر او روزافزون باد. خانه تو، خانه وحی و محل نزول فرشتگان بود. بر مردم زمانه‌ات چه گذشت که فراموشی گرفتند و در مقابل ظلم‌هایی که به شما خاندان پیامبر شد، سکوت کردند؛ تا جایی که خانه‌ات را به آتش کشیدند؛ خانه‌شان غرق در عذاب ابدی!

اینجا خانه‌ای است که جبرئیل بدون اجازه وارد نمی‌شود، اینجا خانه‌ای است که فرشتگان آرزو می‌کنند به آن قدم نهند، اینجا خانه‌ای است که پیامبر چهل روز آمد و در کنار در این خانه ایستاد و به اهل این خانه سلام داد و آیه تطهیر خواند: «أَمَّا يَرْيَدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

خدای تو در قرآن و بارها به پیامبرش تأکید کرد که مقام زن در اسلام، مقامی منحصر به فرد است؛ مقامی که مشابهی برای آن وجود ندارد. و تو به گونه‌ای زیستی و به گونه‌ای پرورش یافتی که نه تنها الگو و اسوه زنان عالم، بلکه الگوی مردان آزاده شدی. مقام زن از مقام تو جلوه پیدا کرد و تو بودی که این عبارات را معنا کردی. آنچه اسلام برای زن در نظر گرفته است، با طبیعت او هماهنگی دارد، به او امنیت کامل می‌بخشد و از او در برابر شرایط نامساعد و دشواری‌های زندگی محافظت می‌کند. شخصیت زن از دیدگاه اسلام در قلمرو ارزش‌ها، هیچ‌گونه تفاوتی با مردها نداشته و در استعداد پذیرش فضایل عالی انسانی با هم مساوی‌اند. و تو بودی که این همه را به کمال رساندی و مادر امت اسلام شدی...

حضرت زهرا (سلام الله علیها)

تجسم عالی ترین مفاهیم انسانی

و اسلامی زن

حضرت [زهرا (سلام الله علیها)] تجسم عالی ترین مفاهیم انسانی و اسلامی در مورد زن است، که به این‌ها باید توجه کرد؛ درس فاطمه زهرا بیشتر این موارد است. برخی از مفاهیم اسلامی مفاهیم اختصاصی است، مثل مادری، همسری، کدبانویی، تربیت فرزند؛ در همه این‌ها اوج قلّه‌ی تصوّر، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. در عرصه تربیت فرزند، در عرصه همکاری با شوهر، در عرصه‌های مشترک و در آن چیزهایی که بین زن و مرد مشترک است، مثل بندگی خدا - وظایف بزرگ مثل بندگی خدا - وضعیّت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یک وضعیّت فوق‌العاده اعجاب‌انگیز و مهم است. امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) می‌گوید شب جمعه تا صبح مادرم بیدار بود، عبادت می‌کرد، هر وقت صدای او را شنیدم، دیدم برای دیگران دارد دعا می‌کند؛ صبح گفتم مادر! برای دیگران دعا کردی، برای خودت دعا نکردی؛ فرمود پسر ما! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ این درس است.

در قضیه [انزول سوره] هل آتی [آمده است که] «إِنَّمَا نُطِعُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ» من این را به عنوان یک درس برای امت اسلامی، برای جامعه اسلامی، برای جمهوری اسلامی تلقی می‌کنم که کار با اخلاص انجام بگیرد. حسن بصری که از زهاد ثمانیه معروف است و زاویه هم دارد با اهل بیت، می‌گوید که «ما کان فی هذه الامة اعبد من فاطمة کانت تقوم حتّی توڑم قدامها». معنای این تعبیر «ما کان اعبد من فاطمة» این نیست که شبیه او و به اندازه او تعدادی وجود داشتند؛ نه، در تعبیرات عربی معنایش این است که هیچ کس در امت، مانند او نبود از لحاظ عبادت. این را حسن بصری می‌گوید؛ حسن بصری دوران فاطمه زهرا را درک نکرده، اما اینکه این‌طور قاطع این حرف را می‌زند نشان می‌دهد این جزو مسلّمات و متواتراتی بوده است که در آن زمان وجود داشته. اینکه وظیفه عبادت، بعد وظیفه امر به معروف و مجاهدت، یعنی حضور در آن میدان عجیبی که بنا بود سر نوشت امت اسلام در آن میدان تعیین بشود و آن حضور طوفانی عجیب فاطمه زهرا با آن خطبه‌های عجیب. نقشه جامع هویت زن در منطق اسلام این است؛ مادر خوب، همسر خوب، مجاهد فی سبیل الله، در عین حال کدبانو، مدیر خانه، و در عین حال عابد و بنده خدای متعال. و در نهایت، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نشان داد که زن می‌تواند به رتبه عالی عصمت برسد که این‌ها خصوصیات این بزرگوار است.

نقش مؤثر زن در تاریخ

هادی شکوری

بندۀ تر باشد، مقرب تر است (ر. ک: جوادی آملی، صص ۲۹۴ و ۳۸۳ - ۳۸۴). استاد مطهری در این باره می گوید: «یکی دیگر از نظریه های تحقیر آمیز درباره زن، در ناحیه استعداد های روحانی و معنوی اوست. می گفتند زن به بهشت نمی رود، زن مقام های معنوی و الهی را نمی تواند طی کند، زن نمی تواند به مقام قرب الهی آن طور که مردان می رسند، برسد. قرآن در آیه های فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی و قرب الهی، به جنسیت مربوط نیست؛ به ایمان و عمل مربوط است، خواه از طرف زن باشد یا از طرف مرد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی، از زنی بزرگ و قدیسه یاد می کند. از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل کرده است. اگر همسران نوح و لوط را زنانی ناشایسته برای شوهران شان ذکر می کند، زن فرعون را نیز، زن بزرگی می داند که گرفتار مرد پلیدی بوده است. گویی قرآن خواسته است در داستان های خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستان ها را منحصر به مردان نکند. قرآن درباره مریم، مادر عیسی، می گوید: کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت، همواره ملائکه با او سخن می گفتند و گفت و شنود می کردند. از غیب برای او روزی می رسید. کارش از لحاظ مقام های معنوی آن قدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش را در حیرت فرو برده و او را پشت سر گذاشته بود. زکریا در مقابل مریم، مات ومبهوت مانده بود.» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، صص ۱۳۲)

استاد مطهری درباره نقش مؤثر زنان در تاریخ می نویسد:

«ما نقش اساسی اثر غیر مستقیم زن را در تاریخ، منکر نیستیم که گفته اند زن مرد را می سازد؛ اعم از فرزند و شوهر، و مرد تاریخ را. بحث ما در نقش مستقیم است. قرآن به موازات مردان قدیس و صدیق، از زنان قدیسه و صدیقه ای یاد می کند که در حد مردان صدیق، بلکه بالاتر بوده اند و مقامی ملکوتی داشته اند. زکریا از مریم، در شگفت می ماند. همسر آدم، ساره، هاجر، آسیه، مادر موسی، خواهر موسی، مریم، حضرت زهرا (سلام الله علیها) (کوثر) زنان قدیسه قرآن اند. خدیجه (سلام الله علیها) خود قدیسه تاریخ اسلام است. قرآن از مؤمنین و مؤمنات، مهاجرین و مهاجرات، قانتین و قانتات، صادقین و صادقات، صالحین و صالحات و... یاد کرده است. در بعضی آیین ها، زن فقط عنصر فریب و گناه است و از آنجا شروع می شود که شیطان، از طریق حوا بر آدم مسلط می شود و این فلسفه را می رساند که شیطان، زن را فریب می دهد و زن مرد را؛ ولی قرآن این منطق را قبول ندارد.» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۷، صص ۶۴۸)

ملاک کسب مقام های معنوی

بر اساس شواهد قرآنی، عقلی و قلبی، در اساس موضوع تکامل، ذکورت و انوشت اصلاً راه ندارد. ملاک های نظام ارزشی اسلام غیر از معیار های مکتب های دیگر است. در اسلام تعبد هست و این تعبد، مایه تقرب است و هر کس

سبک زندگی کوثری (از ناس تا نبأ)

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

سوره مبارکه زلزله

دومین سوره از سوره‌های سوره خود را با **قیامت** آغاز می‌کند در حالی که آیات آغازین و پایانی سوره عادیات حاکی از شتاب و سرعتی هستند که با «إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ»، **نزدیک شدن قیامت** را بازنمایی می‌کنند، سوره زلزله نیز، چگونگی این «بُعْثِرَ»، و اخراج اثقال را بیان می‌فرماید تا ناس با دیدن **موزین** خود «لَيَرَوْا أَعْمَالَهُمْ»، نسبت به آنها پاسخ‌گو باشند: «إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ». در سوره عادیات آیه «وَوَحَّصِلْ مَا فِي الصُّدُورِ» مطرح می‌شود و شرح آن در سوره زلزله و با آیه «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» کامل می‌گردد.

انسان «**کَنُود**» در سوره عادیات در شمار انسان‌هایی است که به روایت سوره زلزله در قیامت به صورت «**أَشْتَاتًا**» محشور می‌شوند - در حالی که در سوره نصر «**فَوَاجَا**» بودند! - این اشتاتا شدن ناس، یا به جهت **عدم درک** «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» است که **ترجیحشان** «مال و ما کَسَبَ» شده و با همز و لمز، «جَمَعَ مَالًا وَ عَدَّهُ» می‌کنند و خود **منبع شر** می‌شوند و با «يَدْعُ الْيَتِيمَ» آنچنان در **خسر** فرو می‌روند که سر از تکاثر در آورده، **موزینشان** «خَفَّت» شده، وارد «**نَارٍ حَامِيَةٍ**» می‌شوند

و یا از شمار **استعاده** جویان به پروردگاری، که الله‌شان «**صمد و احد**» است، با تسبیح و حمد و استغفار در مقام **عبد** بودن «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ» را سر داده، با **درک کوثر**، صالحات را با **تواضعی به حق و صبر** به شناخت نعیمی رسانده‌اند که «تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ» می‌شوند و در هنگامه‌ی قیامت، شایسته «**عیشیه راضیه**» می‌شوند. فلذا درک دقیق «موزاین و نعیم» که تفسیر کوثر است هم در هنگام قیامت و هم زمان زلزله‌های زندگی روزمره؛ بسیار مهم و تعیین کننده است و به نوعی سعادت هر دو دنیا را رقم می‌زند.

توبه کن مردانه سر آور به ره که فمّن یعمل بمثقال یره

دکتر لسانی: سوره زلزله با عنایت به همان کارهای تند و سریعی که مورد نظر سوره عادیات بود به زلزله اشاره می‌فرماید. زلزله‌ای که هر لحظه امکان دارد واقع شود! زلزله‌ای که ممکن است چون **آمدن بینه، فرهنگی و دینی** باشد، یا چون سوره **فیل** به زلزله‌ای **اقتصادی** اشاره نماید و یا چون **تبت** به زلزله **اجتماعی** نظر کند. و این انسان است که می‌تواند از این زلزله‌ها به **نفع** خود سود جوید نه اینکه در آن غرق شود و یا اصلاً به جهت عظمت آن، متوجه ایجاد آن زلزله نشود. اگر یقین به حادث شدن زلزله در دل آدمی جایگزین گردد، عادیات و موریات و مغیرات همه در جهت بیداری انسان و توجه او به مبدأ همه این امور و معاد آن، آماده می‌کند تا **زلزله‌های حتی نیامده را نیز مدیریت کرده**، تا نسبت به انجام حتی مثقال ذره اعمال خود **حساس** باشد تا ترازوی اعمال خود را سنگین سازد.^۱

عزیزی: در تفاسیر مذکورست که یک **پاس از شب** گذشته بود که این سوره نازل شد، آن حضرت صلی الله علیه و سلم تا صبح شدن نماندند، همان دم برآمدند و مردم را تبلیغ فرمودند. و در این سوره آیتی هست که گویا **خلاصه تمام قرآن** و جامع جمیع احکام شریفه است و آن آیت آخرین اوست که دلالت بر جزای هر عمل می‌کند از **خیر و شر**، و در حدیث صحیح است که این سوره برابر با **ربع قرآن** است. آدانه

سوره شناسه سوره زلزله

شماره سوره: نود و نهم (شانزدهم)

از آخر (مکی یا مدنی؛ دارای

هشت آیه

نامهای دیگر: زلزلال و اذا زُلزِلت

شرح لغات: زلزله: شدت

اضطراب و لرزش؛ ائقال: جمع

ثقل (مردگان) اشتات: جمع شت،

متفرق و گوناگون

سوره زوج: عادیات

محور موضوعی: قیامت و

شهادت زمین و دیدن نتیجه

اعمال.

شان نزول: در روایت آمده که

بعضی دو آیه پایانی را برای

هدایت کافی می‌دانستند تا

آنجا که رسول الله (ص) آنرا

جامعه نامید.

فضیلت قرائت: ثوابی برابر قرائت

سوره بقره و برابر با ربع قرآن؛ در

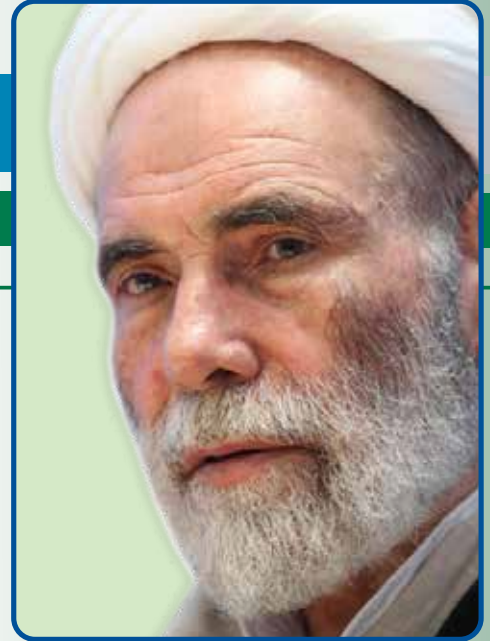
امان بودن از زلزله و آفات دنیایی

۱- لسانی فشارکی، محمد علی، فایل صوتی کارگاه ترتیبی تفسیر قرآن کریم سوره زلزله، آرشیو در: دار القرآن سپاه ناحیه

تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانى

قسمت بیست و نهم



ظاهر، تنها مسیر نفوذ به باطن است

حالا این‌ها را می‌خواهم توضیح بدهم که «رخنه کردن از ظاهر به باطن» یعنی چه؟ آیا تو می‌خواهی آن بذر الهیه انسانی که خدا در وجودت پاشیده و آن نهالی را که او درون تو کاشته است را آبیاری کنی و زنده‌اش کنی؟ آیا می‌خواهی آدم بشوی؟ باید از ظاهر خود سراغ باطن بروی، تا کار سامان یابد. راه فقط همین است. اگر می‌خواهی آن بذر الهی در بُعد معنویت را شکوفا کنی و قلب و دلت را روشن و منور به نور الهی کنی، بدان که راه فقط این است! باید از ظاهر به باطن بروی! این همان راهی است که انبیا و مکتب انبیا برای ما آوردند.

انسانیت در گرو التزام به شرع است

این کلیت بحث بود. بعداً آرام آرام می‌رویم و به جزئیات آن می‌پردازیم. ما تعبیراتی از اهل معرفت داریم که امام (رضوان الله تعالی علیه) - که البته من هرچه دارم از استادام دارم - می‌گویند: «بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود؛ مگر آنکه انسان ابتدا کند از ظاهر شریعت؛ و تا انسان مؤدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه (که همان انسانیت است) از برای او، به حقیقت پیدا نشود و نور معرفت الهی در قلب او تابش نکند.» این جملات هم به بُعد معنوی مسئله اشاره می‌کند.

شرع یعنی آداب ظاهری که انسان ساز است

منظور امام از آداب ظاهریه چیست؟ منظور ایشان همین احکام شرعیه است. این‌ها آدم‌ساز است. من کاری به جنبه‌های معنوی آن ندارم. اصلاً خود این احکام، آدم‌ساز است. در بُعد انسانی، انسانیت را شکوفا می‌کند. باید ظاهر انسان، شکل و شمایلش، لباس‌های تن او، حرف‌ها، رفتارها، دیده‌هایش، همه و همه در محدوده احکام شرعیه باشد تا انسانیتش شکوفا شود.

ادامه دارد...

قبول آداب شرعی، رسیدن به فلاح ابدی است

علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ تَأَدَّبَ بِأَدَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَبْدَاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ» هر کس مؤدب به آداب الهی شود، ادبش او را به رستگاری ابدی می‌رساند. اگر کسی تربیت الهی را بپذیرد و مؤدب به آداب الهی شود، به رستگاری جاودانه می‌رسد؛ یعنی هم یک انسان می‌شود و هم در بُعد الهی و معنوی رشد کرده و فرشته می‌شود.

سؤال اصلی این است که حالا که می‌خواهیم تربیت شویم و تربیت کنیم باید از کجا شروع کنیم؟ این یک بحث مستقلى است که الان شاید در ذهن همه هم باشد. البته چون این بحث‌ها تقریباً همگانی است در پاسخ به این سؤال من نمی‌خواهم اصطلاحات پیچیده‌ای به کار ببرم. تنها به قدری که لازم است به مطالبی اشاره خواهم کرد.

نقطه آغاز، ساختن ظاهر است

اهل معرفت به این نقطه شروع اشاره دارند که من ابتدا جملاتی را هم از آن‌ها می‌خوانم و بعد توضیح می‌دهم. در باب تربیت می‌فرمایند: «اگر انسان بخواهد از نظر باطنی و حقیقی اصلاح شود، تنها راهش گذر از ظاهر به باطن است.» بحث ما این است که می‌خواهیم حیوان نباشیم و آدم بشویم؛ یعنی می‌خواهیم مابه‌الامتیاز انسانی خود را شکوفا کنیم. مثلاً اگر اهل معنویت هستیم، می‌خواهیم نورانیت قلبیه پیدا کنیم؛ اگر اهلش هستیم، می‌خواهیم عالم غیب را شهود کنیم؛ اگر می‌خواهیم این کارها را بکنیم، بزرگان می‌گویند که این منزل یک راه بیشتر ندارد؛ آن راه منحصر هم این است که از راه ظاهر به باطن برویم.

شهید «حاج قاسم سلیمانی» از قاب اسوه

**آنان که وامدارشان هستیم
یعنی دین ما سنگین است، دینی به اندازه جان...**

محیا خوبرو

جانی که می توانست خرج خودشان بشود...

گاهی بنده خوبی می شویم و از حرام خود را حفظ می کنیم، گاهی، اما یک انسان چنان بزرگوار شده که برای خدا از برخی حلال هم می گذرد.

می تواند بماند، خوشی های حلال داشته باشد، اما می زند به قلب بیابان تا وجودش، ظلمات بیغوله ها را روشن کند، تا در راه مانده ای طعمه گرگ های استکبار نگردد، تا شیطان زاده هایی با قلب های تاریک، طمع نکنند بر خزان نمودن باغ حق پرستان. گاهی می جنگد، گاهی نگهبان است، گاهی آمیخته با اشک های یتیمان است... «مرد میدان» روزهای نبرد است و دلشکسته شب های فراق.

تمام لحظه هایش اما، نور علی نور «اخلاص» است.

دو سال از بهت ناباور «ساعت ۱۰:۲۰» دقیقه بامداد شب جمعه ای که حرامیان استکبار جهانی «او را غریب گیر آوردند» می گذرد. خرد شود دهانی که دستور به زدن او را داد؛ شکسته شود «دستی که بی هوا زد او را...»

و برای ما که سینه سوخته روضه اهل بیت (علیهم السلام) هستیم، داغ شهادت او چه تصویرها را که مجسم نکرد! کسی را غریبانه از ما گرفتند که وجودش برکت بود و سراسر قصه ؛

انگشترش قصه داشت؛ زخم صورتش قصه داشت؛ موه های سپیدش قصه داشت؛ کرائه بی انتهای لبخندش قصه داشت؛ و چشم هایش... و چشم هایش...

آیت الله حائری چه خوب وصف کرده بودند چشم های او را: «وقتی چشم یک حالتی پیدا بکند، دریدگی نداشته باشد، خیرگی نداشته باشد، حیا داشته باشد، مثل حالت نیمه خوابی داشته باشد، به این حالت می گویند «چشم بیمار».

شما نگاه به چشم قاسم سلیمانی کنید، چشمش محبت دارد. این چشم، خیره نیست. به خاطر روحش است که شما این را می بینی. روح انسان در چشمش تجلی می کند. وقتی یک

کسی قلب دارد، وقتی نگاه به برادر دینی اش می کند، او را دگرگون می کند.»

او را با تمام قصه هایش، به خیال شان، از دنیای ما گرفتند، اما عروج او مسیر تعالی را نور پاشید. عروج او، بیش از پیش وجودش را مبارک نمود.

ما معجزه دریا شدن قطره های پراکنده باران را در بدرقه اش، یعنی در ایمان به مشی و مرام او دیدیم.

او فراتر از آنچه بود رفت و مکتب ساز شد و ما شاگردان «مکتب سلیمانی» شدیم.

ما جگر سوخته اشک های رهبرمان شدیم و بر برائت مان از جبهه طاغوت افزوده شد.

ما دست قلم شده را دیدیم و بیرق مکتب اباعبدالله (علیه السلام) را محکم تر در دستمان فشردیم.

قلب مان از بهت ساعت ۱۰:۲۰ دقیقه شب زیارتی ایستاد، اما علی علی گویان جان دوباره گرفت.

قلب هامان هم قسم شد تا «انتقامی سخت» بگیرد از هرزه دلان زمان.

روزی حاج احمد رفت، حاج قاسم سوخت از این رفتن و بی تاب شد، اما مگر علم را زمین گذارد؟

که دنیا دیدتُم السَّقاموی مجسم را...

حاج قاسم همچنان در جاری زمان، در گوش قلب من و تو زمزمه می کند:

رقص و جولان بر سر میدان کنند

رقص اندر خون خود مردان کنند

چون رهند از دست خود دستی زنند

چون جهند از نقص خود رقصی کنند

هجمه هامان چو کوه می ریزد
بر سر دشمنان آل عبا
و به حکم خدا و آیاتش
آیه «عاهدوا» و «تبدیلا»

بغض روی بغض از دشمن
از همان طبل های پر ز صدا
از همان ها که خالی از رحمتند
ماترک های آل ظلم و جفا

میر ما پرگرفت ای ساقی
میر ما برنگشت ای سقا
دلمان خون شد از شهادت ها
قلب مان پاره پاره، واویلا

سحر جمعه بود وقت دعا
وقت پابوس پیشگاه خدا
لحظه های بریدن از دنیا
لحظه های سجود اهل سما

چشم های سرخ از غیرت
منتظر به امر قائدنا
آتشی می شویم و می تازیم
به یزید زمانه آمریکا

حاج قاسم، قسم به مولایت
به مرام حضرت مولا
خون تو راه را گشوده دگر
با علمداری حضرت آقا

ما که از رفتنت شکسته شدیم
دل آقا چطور؟!... یا زهرا!
از سر صبح گریه ها کردیم
گریه ها، گریه های اهل ولا

رفته بودی برای سرداری
سربلند و مجاهد و والا
سحری که زمان فاطمه (س) بود
شب جمعه، عراق، دشت بلا

گروه‌های غذایی مفید در قرآن

نان، غلات، حبوبات و دانه‌ها

در قرآن به دانه‌ها و غلات تحت عنوان «زرع و حب» اشاره شده است. «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ... الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكْلُهُ» (سوره انعام: ۱۴۱) و اوست خدایی که (برای شما) انواع زراعت را پدید آورد که با هم متفاوتند.

«فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا» (سوره عبس: ۲۷) در آن (زمین) دانه‌ها رویانیدیم.

دانه‌های غذایی، مایه اصلی تغذیه انسان و انواع حیوانات است. دانه‌هایی که اگر یک سال بر اثر خشکسالی قطع شود، قحطی و گرسنگی تمام جهان را فراخواهد گرفت. تعبیر به «حب» به صورت نکره یا دلیل بر اهمیت این ماده غذایی است یا به تنوع دانه‌ها اشاره دارد.

از میان دانه‌ها گندم، کامل‌ترین و غنی‌ترین ماده غذایی است که جای بسیاری از غذاها را می‌گیرد. حضرت یوسف (علیه‌السلام) برای نجات مردم مصر از هفت سال قحطی به ذخیره‌سازی گندم پرداخت.

نان بهترین خوراکی، مایه برکت و استواری تن، خوشبوکننده دهان است و بهترین نان، نان سبوس‌دار است که دارای فیبر می‌باشد.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «خداوندا! برای ما به نان برکت بده و میان ما و آن جدایی می‌فکن، اگر نان نبود نه روزه گرفته بودیم، نه نماز خوانده بودیم و نه واجبات خدا را انجام داده بودیم.»

امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: «برتری نان جو بر گندم، همانند برتری ما بر دیگران است.»

و برنج؛ غذایی نیکو، سرد و سالم و مهتر غذاها می‌باشد.

منبع: دانشنامه اسلامی



ارزش چادر حضرت زهرا (سلام الله علیها)

من در دلم این است که ارزش چادر حضرت زهرا (سلام الله علیها) که چندین
وصله داشت، از همه کهکشانی‌های عالم بیشتر است، برای اینکه کهکشانی‌ها هر چه
داشتند چیزهای بی‌شعوری است، چیزهایی است که خدا به آن‌ها داده و خودشان
چیزی کسب نکرده‌اند اما چادر حضرت زهرا (سلام الله علیها) چیزی است که همه
عالمیان افتخار می‌کنند که سایه‌ای از آن چادر به سرشان بیفتد. خدا چنین کسی
را و چنین شناختی را نسبت به ایشان به ما داده است اما در زندگی چه قدر یاد
حضرت زهرا (سلام الله علیها) هستیم؟! علامت غفلت از یاد ایشان این است که اینجا
چقدر به حضرت معصومه (سلام الله علیها) احترام می‌گذاریم؟! چقدر به زیارت ایشان
می‌رویم؟! چقدر به ایشان توسل می‌کنیم؟! این‌ها همه نشانه غفلت است!

الحمد لله خدا به ما شناخت داده و به اختلاف مراتب می‌دانیم که این‌ها چه
بزرگواری هستند، اما گرفتاری‌های دنیا و اشتغالات آدم نمی‌گذارد که به یاد ایشان
باشیم، ولی سعی کنیم اقل آن وقتی که احتیاج داریم در خانه‌شان برویم؛ احتیاج
نه تنها آن وقتی که بیماری سرطان داریم؛ بلکه برای گرفتاری‌های فرهنگی جامعه‌مان،
برای بلاها و فتنه‌های آخرالزمانی که همه به آن مبتلا هستند، برای نگرانی‌هایی که
برای آینده دخترها و پسرهای خودمان داریم در خانه این‌ها برویم. آیا احتیاج نداریم
کسی در این‌ها به ما کمک کند؟!

علم و دانایی ام البنین

اگرچه آنان فرزندان «باب علم نبی» بودند؛ اما از دانش مادری هم بی بهره نبودند؛ چنان که حضرت علی (علیه السلام) در مورد عباس می فرماید:

«إِنَّ وَلَدِي الْعَبَّاسُ زَقَّ الْعِلْمَ زَقًّا؛ همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می گیرد، از من معارف را فرا گرفت.»

ام البنین، پاسدار خاطره عاشورا

از ویژگی های بسیار مهم ام البنین، توجه به زمان و مسائل مربوط به آن است. وی پس از واقعه عاشورا، از مرثیه خوانی و نوحه سرایی استفاده کرده تا ندای مظلومیت کربلاییان را به گوش نسل های آینده برساند. ایشان هر روز به همراه پسر حضرت عباس (علیه السلام)، عبیدالله که همراه مادرش در کربلا حضور داشت و سند زنده ای برای بیان وقایع عاشورا بود، به بقیع می رفت و نوحه می خواند و شور و غوغایی به پا می کرد. مردم مدینه اطراف او گرد می آمدند و با او هم ناله می شدند. حتی مروان بن حکم حاکم وقت مدینه نیز در میان ایشان بود و گریه می کرد.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: آن حضرت به بقیع می رفت و آن قدر جانسوز مرثیه می خواند که مروان با آن قساوت قلب گریه می کرد.

نام او فاطمه بود که بعدها پس از ازدواج با حضرت علی (علیه السلام) با کنیه «أم البنین» (مادر پسران) مشهور شد. پدر و مادرش از خاندان بنی کلاب از اجداد بزرگ حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بودند و دارای خوبی ها و صفات خانوادگی مشترک بودند. فاطمه دختری پاکدل و باتقوا بود.

فضایل اخلاقی، کمالات انسانی، نیروی ایمانی، ثبات و پایداری، شکیبایی و بردباری، بصیرت و دانایی، نطق و سخنرانی او را به شایستگی، بانوی بانوان کرده بود. زندگانی ام البنین همواره با بصیرت و نور دانش همراه بوده است و این ویژگی والا در جای جای کتب تاریخی ذکر شده است و ما را با عظمت این بانوی عالمه و فاضله آشنا می سازد. علاقه ام البنین به اهل بیت (علیهم السلام) و بصیرت دینی او به امامت به قدری بود که درباره او می نویسند: «برای عظمت و معرفت و بصیرت ام البنین کافی است که او هر گاه بر امیرالمؤمنین وارد می شد و حسنین مریض بودند با ملاطفت و مهربانی با آنها صحبت می کرد و از صمیم قلب با آنها برخورد می کرد؛ چونان مادری مهربان و دلسوز.» علم سرشار وی در کلام او و فرزند بزرگوارش عباس نمایان است. او از محدثات شیعه است و فرزندان خود را با علم و دانایی تربیت کرد.

فاطمیه همیشه ما را بیشتر هوایی شما می کند

محیا خوبرو



هوای روضه حضرت مادر (سلام الله علیها) است
که داریم آن را به جان و دل استشمام می کنیم.
شهر سیاهپوش آن واقعه است.
این روزها کجا هستید؟
چه روضه‌ای زمزمه می کنید؟
مولاجان،
فاطمیه همیشه ما را بیشتر هوایی شما می کند.
انگار در غم مادر آستین به دهان گریه
می کنیم ...

چیزی گلوی ما را می فشرد
و بعد تنها پناه ذکر نام شماست
و پرسش اشک آلود ما، در بین سنگینی
ذکر یا زهرای مان:
کی می آید آقا جان؟
چه زمان می رسید از راه؟
سؤالی که بعد از آن واقعه بر زبان تاریخ
جاری ست ...
همه منتظرند...



همزمان با سالروز شهادت بی‌بی
دوعالم، حبیبه رسول خدا، حضرت
فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) و
برگزاری مراسم سوگواری، روز
پنجشنبه ۱۶ دی ۱۴۰۰، با کوشش
گروه خیرین و جهادگران موسسه
فرهنگی "قرآن و عترت اسوه
تهران" و مجمع خیرین فرهنگ
فاطمی، تعداد پانصد پرس زرشک
پلو با مرغ به ارزش دویست
میلیون ریال تهیه و پس از پخت
و بسته‌بندی توسط گروه جهادی
اسوه بین خانواده‌های کم‌برخوردار
استان تهران توزیع خواهد شد.
شما عزیزان هم می‌توانید جهت
مشارکت در این طرح، هدایای
نقدی خود را به شماره کارت زیر
واریز نمایید.

والله اعلم
اقامه عزا به مناسبت
شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها سلام و
دومین سالگرد شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی
به مدت سه روز ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ دی ماه
شروع : ساعت ۱۵:۰۰ با زمزمه زیارت عاشورا
همراه با اقامه نماز مغرب و عشاء

سخنران:
حجت الاسلام حبیب زاده
موضوع:
تفسیر سوره ناس و فلق

نشانی:
کارگر جنوبی، پایین تر از چهارراه
لشکر، روبروی پمپ بنزین، کوچه
شهید غیاثوند قیصری بن بست آریا،
پلاک ۶، حسینیه موسسه فرهنگی
قرآن و عترت اسوه تهران

۶۲۷۴۱۲۱۱۸۴۰۵۶۵۹۶ اقتصاد نوین - زهرا بادی
لطفا فیش واریز را به شماره تلفن ۰۹۱۲۶۸۹۵۵۲۱ در واتساپ ارسال نمایید.



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران
سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی
دبیر تحریریه: فخری مرجان
صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران
پایگاه اینترنتی: www.osveh.org
فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com
کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)
آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)
آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)
مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.osvehedu.ir
مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین‌تر از چهار راه لشکر - روبروی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶
شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵